



Analysis and criticism of the French laicity procedure in the field of hijab for teenagers in France; In the light of human rights standards

Ehsan Salimi Ghalehie

Assistant Professor of Maragheh University Law Department, Email: e.salimi@maragheh.ac.ir

Abstract

In 2004, religious clothing was banned in French schools with the justification of adherence to the principles of laicity. Since then, various laws, bills and guidelines regarding the restriction of religious clothing, focusing on Islamic hijab, have been put on the agenda. The present article evaluates the limitations of the hijab with a human rights approach using a descriptive-analytical method and using library resources. The findings of this article show that, firstly, for denying or limiting the rights of individuals, the criteria should be human rights documents and not the principles of laicity. Secondly; Laicity in its common and true meaning does not show such restrictions, but French politicians in the name and in the form of laicity present laws that are contrary to fundamental human rights, such as "the right to freedom of religious rites" and "the right to religious education of children". Thirdly, the dual approach of the French laws cannot be justified and it is not clear that the French legislator who doubts the decision-making power and eligibility of teenagers to choose religious clothing is based on the independence of the decision-making of teenagers for sexual consent at the age of 15 in the law on strengthening the protection of children against It has recognized sexual violence approved in 2021?

Keywords: right to hijab, right to freedom, right to religious education, age of sexual consent, declaration of human rights.

Received: 2024/02/25 ; **Revised:** 2024/04/26 ; **Accepted:** 2024/05/16 ; **Published online:** 2024/06/22

How To Cite: Salimi Ghalehie, Ehsan (2024). Analysis and criticism of the French laicity procedure in the field of hijab for teenagers in France; In the light of human rights standards, *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 11(2), 71-90. <https://www.doi.org/10.22091/CSIW.2024.10453.2509>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research





تحلیل و نقد رویه لائیسیتیه فرانسوی در زمینه حجاب نوجوانان در فرانسه در پرتو موازین حقوق بشر

احسان سلیمی قلعه‌ئی

استادیار گروه حقوق دانشگاه مراغه، رایانامه: e.salimi@maragheh.ac.ir

چکیده

در سال ۲۰۰۴ پوشش مذهبی در مدارس فرانسه با توجیه پابندی به اصول لائیسیتیه ممنوع اعلام شد از این زمان به بعد قوانین، لوایح و دستورالعمل‌های مختلفی در خصوص محدودیت پوشش مذهبی با محوریت حجاب اسلامی در دستور کار قرار گرفته است. نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌برداری از منابع کتابخانه‌ای متکفل ارزیابی محدودیت حجاب با رویکرد حقوق بشری است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد اولاً برای سلب یا محدودیت حقوق افراد، معیار باید اسناد حقوق بشری باشد و نه اصول لائیسیتیه. ثانیاً؛ لائیسیتیه به معنای رایج و واقعی خود، چنین محدودیت‌هایی را بر نمی‌تابد بلکه سیاستمداران فرانسه به نام و در قالب لائیسیتیه قوانین مغایر با حق‌های بشری بنیادین نظیر «حق آزادی اجرای مناسک دینی» و «حق تربیت دینی فرزندان» را عرضه می‌کنند. ثالثاً رویکرد دوگانه قوانین فرانسه قابل توجیه نیست و مشخص نیست مقنن فرانسوی که در قدرت تصمیم‌گیری و اهلیت انتخاب نوجوانان برای موضوع پوشش مذهبی تردید دارد با چه مبنایی استقلال تصمیم‌گیری نوجوانان برای رضایت جنسی در سن ۱۵ سالگی در قانون تقویت حمایت از کودکان در برابر خشونت جنسی مصوب ۲۰۲۱ را به رسمیت شناخته است؟

کلیدواژه‌ها: حق بر حجاب، حق آزادی، حق بر تربیت دینی، سن رضایت جنسی، اعلامیه حقوق بشر.

- این مقاله در هفتمین کنگره علوم انسانی اسلامی ارائه شده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۲/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۷؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲
استاد به این مقاله: سلیمی قلعه‌ئی، احسان (۱۴۰۳). تحلیل و نقد رویه لائیسیتیه فرانسوی در زمینه حجاب نوجوانان در فرانسه در پرتو موازین حقوق بشر، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۱(۲)، ۷۱-۹۰.

<https://www.doi.org/10.22091/CSIW.2024.10453.2509>



مقدمه

لائیسیته یا سکولاریسم در عام‌ترین و رایج‌ترین مفهوم خود به معنای گسست یا جدایی دین و دولت است (Roy, 2007: 17). به دیگر سخن لائیسیته بر گذار دین از پهنه عمومی به پهنه خصوصی مبتنی است (آرشه، ۱۳۸۵: ۸). نخستین بار مفهوم لائیسیتسم در سال ۱۸۷۰ توسط فریدینان بویسون به معنای دولت سکولار، بی‌طرف نسبت به مذهب، مستقل از روحانیت و رها از همه مفاهیم الهیاتی مطرح شد (Jakus, 2017: 923). در خصوص فرآیند لائیسیزاسیون در فرانسه، دیدگاه‌های مختلفی از سوی پژوهشگران دین و دولت مطرح شده است برخی پژوهشگران پاگیری لائیسیته در فرانسه را محصول فرایند تدریجی و مستمر در این کشور می‌دانند آن‌ها تحولات پسا انقلابی از سال ۱۷۸۹ تا سال ۱۷۹۹ را نخستین مرحله و اصلاحات جمهوری سوم از سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۰۵ قانون صالح را مرحله دوم از روند ذکر شده قلمداد می‌کنند. پژوهشگران دیگری به جای تأکید بر عنصر تداوم، بر گسست و انقطاع این روند مستمر انگشت می‌گذارند (احمدی و سلیمی، ۱۴۰۱: ۲). و چند مرحله مجزا از یکدیگر را برای نیل به لائیسیته در فرانسه بر می‌شمرند. در هر حال امروزه مقامات دولتی فرانسه اهمیت زیادی برای پایبند بودن به آنچه مبتنی بر اصول لائیسیته می‌دانند، قائلند. تا آن جا که برای اطمینان از تلقین تدریجی ارزش‌های لائیسیته روز به روز بر ساماندهی قوانین، سیاست‌های عمومی به‌ویژه نظام آموزش و پرورش خود می‌افزایند. به نظر آن‌ها تمام افراد مقیم فرانسه - و نه تنها فرانسوی تبارها - باید بتوانند به تقویت اصول لائیسیته کمک کنند و در فهمی مشترک از مفهوم شهروندی بکوشند (کیانپور و یزدخواستی، ۱۳۸۵: ۵۰) و گرنه در فرانسه جایی برای آن‌ها نیست (Maier, 2004: 2). به طور کلی لائیسیته هیچ ارتباطی با دین - خصمی و مبارزه با مظاهر دینی ندارد؛ به عکس، لائیسیته متضمن نبود هرگونه الزام و اجبار خارجی در زمینه اندیشه و گرایش‌های مذهبی است. (گرچی، ۱۳۸۷: ۱۶۱). با این حال یکی از راهبردهای خاص لائیسیته فرانسوی که آن را از مدل‌های سکولاریسم اروپایی و آمریکایی متمایز می‌کند، ویژگی دین خصمی آن است که خود را در «ممنوعیت آشکارسازی نمادهای دینی در عرصه عمومی» متجلی ساخته است. از دیدگاه قانون‌گذاران فرانسه رشد روز افزون نشانه‌های مذهبی در مدارس نشان از تلاش عمدی مقامات مذهبی برای برداشتن مرز جدایی بین دین و سیاست در این کشور است. در این راستا حجاب اسلامی بیش از دیگر نمادهای مذهبی حساسیت سیاستمداران فرانسوی را در پی داشته است. یکی از اعضای مجلس ملی در فرانسه می‌گوید: «مسئله، روسری نیست؛ در ورای آن تمایل و تلاش برای مطیع ساختن تمام سطوح جامعه در برابر یک مدل مذهبی متعصب است که از عرف‌ها و عاداتی نشأت گرفته که با عرف و سنن جمهوری ما در تضاد است» (رهایی، ۱۳۸۹: ۲۶۱). بدین ترتیب برخی دولت‌مردان فرانسه پوشش مذهبی حجاب را تنها یک امر دینی و یا پایبندی یک زن مسلمان به دین خود تلقی نمی‌کنند؛ بلکه آن را نمادی نگران‌کننده از اندیشه و گفتمانی می‌دانند که در تضاد با اصول لائیسیته در

فرانسه است. این نگرانی‌ها با افزایش نومسلمانان به ویژه افراد مشهور^۱ و افزایش جمعیت مهاجران و متولدین مسلمان که هویت خود را متکثر تعریف می‌کنند و معتقدند فرانسوی بودن جزئی از هویت آنان است نه کل آن، بیشتر هم شده است. (مذهبی، ۱۴۰۱) به همین جهت در ۱۷ مارس ۲۰۰۴ دولت فرانسه قانونی را در مورد منع استفاده دانش‌آموزان از پوشاک و علائمی که آشکارا بیانگر تعلق به یک مذهب است را به تصویب رسانید^۲ که به موجب آن دانش‌آموزان مسلمان فرانسوی در محیط مدرسه از داشتن حجاب اسلامی منع شدند. در سال ۲۰۱۰، ممنوعیت پوشاندن صورت که به ویژه چادر و برقع زنان مسلمان را هدف قرار می‌داد، توسط پارلمان فرانسه به تصویب رسید.^۳ علاوه بر این قوانین، منع گسترده‌تر حجاب به طور مرتب توسط سیاستمداران محافظه‌کار و راست‌گرا پیشنهاد می‌شود.^۴ به عنوان نمونه در سال ۲۰۲۱ دولتمردان فرانسوی یک گام فراتر از ممنوعیت حجاب در مدارس، در لایحه موسوم به لایحه ضد جدایی طلبی برای انتخاب و داشتن حجاب «حداقل سن» تعیین نموده‌اند. به موجب این لایحه، حداقل سن برای داشتن حجاب سن ۱۸ سال تعیین شده است.^۵ حتی بعضاً درصد برآمده‌اند که ممنوعیت‌های گسترده‌تری شامل ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌های دولتی اعمال شود که به جهت آن که اغلب روسای دانشگاه‌ها و اکثر اتحادیه‌های دانشجویی با چنین ممنوعیتی مخالف هستند، تا کنون راه به جایی نبرده‌اند و این خواسته‌ها جنبه قانونی نیافته است.^۶ لکن در مناسبات درون حزبی مخالفت با حجاب چهره‌عریان‌تری به خود گرفته است و در ماه مه ۲۰۲۱، حزب امانوئل ماکرون یک زن مسلمان را از نامزدی به عنوان یکی از نامزدهای انتخابات محلی خود منع کرد، زیرا او برای عکسی که در آگهی تبلیغاتی به سر می‌برد حجاب داشت.^۷ در این راستا نوشتار حاضر درصدد است به طور مشخص موضوع

۱. به عنوان نمونه دیلن تیری ستاره مشهور سینمای فرانسه در سال ۲۰۲۳ اعلام اسلام نمود.

<https://www.tabnak.ir/004vQw>

۲. عنوان کامل قانون عبارت است از:

"loi no 2004-228 du 15 mars 2004 encadrant, en application du principe de laïcité, le port de signes ou de tenues manifestant une appartenance religieuse dans les écoles, collèges et lycées public"

۳. عنوان دقیق این قانون عبارت است از:

LOI n 2010-1192 du 11 octobre 2010 interdisant la dissimulation du visage dans l'espace public, 11 October 2010.

4. Chrisafis, Angélique (13 April 2016). "French PM calls for ban on Islamic headscarves at universities". The Guardian. ISSN 0261-3077.

۵. این لایحه در زمان نگارش این مقاله هنوز اعتبار قانونی نیافته است.

6. "Interdire le voile aux étudiantes? Les présidents d'université disent "non"". L'Express.fr (in French). 13 April 2016.

7. Samuel Osborne (12 May 2021). "Emmanuel Macron's party bars woman from running as candidate because she wore a hijab". Microsoft News, The Independent. Archived.

محدودیت پوشش مذهبی نوجوانان مسلمان در فرانسه را مورد واکاوی قرار دهد و با شناسایی دلایل و پشتوانه‌های اعمال محدودیت، همسویی یا مغایرت این محدودیت‌ها با اسناد حقوق بشری و اصول لائسیسته را مورد سنجش قرار دهد. به این ترتیب در ابتدا حق بر پوشش مذهبی که بن مایه این پژوهش است در اسناد حقوق بشری مورد کنکاش و اثبات قرار گرفته است. سپس مهمترین و رایج‌ترین دلایل مطرح شده توسط گفتمان منع حجاب بازگو شده است و در نهایت این دلایل مورد نقد قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

مروری بر ادبیات حقوقی بیانگر آن است که مطالعات قابل توجهی در مورد آزادی‌های مذهبی و به طور خاص موضوع حجاب صورت گرفته است برای نمونه رهایی (۱۳۸۹) در پژوهشی جامع با عنوان «آزادی دینی از منظر حقوق بین‌الملل» به صورت تفصیلی موضوع را در دو بخش «مفهوم‌شناسی، حوزه و شیوه‌های آزادی دینی» و «حدود حق بر آزادی دینی» مورد کنکاش و واکاوی قرار داده است. مقامی و سادات مکی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «جلوه‌های حق بر آزادی ابراز مذهب در رویه نهادهای بین‌المللی حقوق بشر» به جلوه‌های گوناگون آزادی ابراز مذهب که حق استفاده از پوشش مذهبی یک نمونه از آن جلوه‌هاست، پرداخته‌اند. شمسی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان تعهدات حقوق بین‌المللی اروپا در خصوص آزادی حجاب به بررسی آزادی مذهبی در اسناد مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای اکتفا کرده است همچنین زمانی و حسینی آزاد (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان تأملی در برخورد دیوان اروپایی حقوق بشر با ماده‌ی ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر پایه پرونده لایلا شاهین به بررسی پرونده جنجالی لایلا شاهین علیه ترکیه در دیوان اروپایی حقوق بشر پرداخته‌اند. تفاوت نوشتار حاضر با پژوهش‌های پیشین اولاً؛ رویکرد انتقادی آن است. ثانیاً؛ تمرکز این مقاله بر یک کشور خاص یعنی فرانسه است که تلاش شده است با در نظر گرفتن برخی قوانین این کشور رویه آن در خصوص حجاب مورد تحلیل انتقادی قرار گیرد. ثالثاً؛ در این مقاله بر حجاب یا پوشش نوجوانان با تمام تفاوت‌هایی که با بزرگسالان دارند، تمرکز گردیده است.

۱. حق پوشش مذهبی در اسناد حقوق بشری

آزادی مذهبی افزون بر این که خود دارای ارزش ذاتی است سنگ بنای حق تعیین سرنوشت، انتخاب فردی و تکثر نیز می‌باشد. (فضائلی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۹) حق آزادی دینی به عنوان یک حق فراگیر شامل آزادی در اجرای مناسک دینی و پوشش مذهبی نیز می‌شود. چه آن که مذهب را نمی‌توان صرفاً در چارچوب اندیشه محصور کرد یا آن را به باورهای محض اعتقادی و تجربه‌های درونی تقلیل داد لذا تضمین آزادی مذهبی باید توأمان در حوزه اندیشه و رفتار صورت پذیرد. (شمسی، ۱۳۹۰: ۱۵۳). به این

ترتیب تجلی این آزادی ممکن است در حق پوشش مورد انتظار مذهب یا استفاده از نمادهای مذهبی، نمایان شود. این حق در ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و همچنین ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است.^۱ در حقیقت آزادی مذهبی، بخشی از ارتقای چند فرهنگی یک جامعه دموکراتیک به شمار می‌رود (استوارت میل، ۱۳۹۵: ۵). رواداری دینی و بردباری مذهبی و منع تبعیض دینی پشتوانه‌های محکم دیگری در اسناد حقوق بشری است که رویکرد محدودیت در پوشش مذهبی، آشکارا آن‌ها را مورد بی‌اعتنایی قرار داده است. تنوع فرهنگی، میراث مشترک بشری است و باید به نفع نسل‌های حال و آینده به رسمیت شناخته و تأیید شود. بر این اساس پوشش مذهبی به عنوان یک مقوله فرهنگی، جزئی از حقوق فرهنگی و فرهنگ برخی افراد در جوامع مختلف است که لازم است مورد احترام قرار گیرد (زاهدیان و ارحامی، ۱۳۹۹: ۱۰۴). در این زمینه ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هم قابل استناد است؛ این ماده مقرر می‌دارد: «در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، افراد متعلق به این اقلیت‌ها را نباید از حق تشکیل اجتماع با سایر اعضای گروه خود، بهره‌مندی از فرهنگ و ابراز و انجام فرایض دینی و کاربرد زبان خودشان محروم نمود». علاوه بر این اسناد حقوق بشری مختلفی با نظر به وضعیت جامعه نوین جهانی

۱. ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر در این خصوص مقرر می‌دارد: «هر انسانی محق به داشتن آزادی اندیشه، آزادی وجدان و آزادی دین است؛ این حق شامل ... آزادی علنی کردن آئین و ابراز عقیده، چه به صورت تنها، چه به صورت جمعی یا به اتفاق دیگران، در قالب آموزش، اجرای مناسک، عبادت و برگزاری آن در محیط عمومی یا خصوصی است و هیچ فردی حق اهانت و تعرض به فرد دیگری به لحاظ تمایز و اختلاف اندیشه ندارد.»

همچنین ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بیان می‌دارد:

(۱) هر کس حق آزادی فکر و وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی - داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه بطور فردی یا جماعت خواه بطور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می‌باشد.

(۲) هیچ کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خودش لطمه وارد آورد.

(۳) آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیتهایی نمود مگر آنچه منحصرأ به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد.

(۴) دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی والدین و برحسب مورد سرپرستان قانونی کودکان را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات خودشان محترم بشمارند.

ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز مقرر می‌دارد:

«هر کس از آزادی نظر، عقیده و مذهب برخوردار است؛ این حق آزادی تغییر مذهب یا اعتقادات شخصی وی چه به تنهایی یا به صورت دسته‌جمعی همراه با دیگران، در حضور دیگران یا به صورت خصوصی و آزادی اجرای شعائر دینی یا عقیدتی به صورت‌های پرستش، آموزش، انجام و نظارت بر آنها را شامل می‌شود.»

بر «بردباری مذهبی» تأکید نموده‌اند. در این راستا اعلامیه رفع تمامی اشکال نابدباری و تبعیض مبتنی بر مذهب و عقیده^۱ قابل اشاره است؛ اعلامیه‌ای که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ در خصوص رفع تمامی اشکال نابدباری و تبعیض مبتنی بر مذهب و عقیده را به تصویب رساند. در این اعلامیه آزادی انجام مناسک مذهبی و همچنین عدم تبعیض بر پایه مذهب یا عقیده را مورد تأکید قرار گرفته است. بنا بر آنچه گفته شد حق بر پوشش مذهبی و به طور خاص حق بر حجاب یکی از شقوق حق بر آزادی دینی است که مورد تأکید طیف گسترده‌ای از اسناد حقوق بشری قرار گرفته است و بعضاً دولت‌ها وظیفه تأمین و پاسداری از این حق را نیز بر عهده دارند.^۲

۲. توجیهات گفتمان محدودیت حجاب

در نقطه مقابل دکتترین مطلق‌گرایی و جهان‌شمولی حقوق بشر که آحاد بشر را صرف نظر از ویژگی‌های عارضی برخوردار از حق‌های بنیادین بشری می‌داند، رویکرد نسبت حقوق بشر یا نسبی‌گرایی حقوق بشر، موضوع توجه به تفاوت‌ها در اجرای حق‌های بشری را مطرح می‌کند. این دکتترین بر این فرضیه استوار است که نمی‌توان تمامی انسان‌ها را به پذیرش مفهوم یکسانی از حقوق بشر سوق داد؛ زیرا حقوق، قاعده رفتار اجتماعی است که مولود جوامع بشری است؛ به عبارت دیگر از یک‌سو، هر جا جامعه‌ای هست، حقوق هم هست. از سوی دیگر، ارزش‌های جوامع مختلف یکسان نیست؛ بلکه هر جامعه‌ای ویژگی‌ها، باورها، عادت‌ها و ارزش‌های خاص خود را دارد (زاهدیان و صدری، ۱۳۹۹: ۹۷).

بر این مبناست که «دکتترین حاشیه تفسیر»^۳ پدیدار شده است به موجب این دکتترین حوزه‌ای از تفسیر و صلاح‌دید به نهادهای اجرایی و قضایی ملی جهت اعمال محدودیت در اجرای حق‌های بشری تفویض

1. Declaration on the Elimination of All Forms of Intolerance and of Discrimination Based on Religion or Belief (General Assembly resolution 36/55, New York, 25 November 1981).

۲. لازم به ذکر است علاوه بر اسناد حقوق بشری بین‌المللی و منطقه‌ای دولت فرانسه در اصل ۲ قانون اساسی این کشور متعهد به احترام به تمام اعتقادات شده است. این اصل مقرر می‌دارد: فرانسه یک جمهوری غیر قابل تجزیه، غیر مذهبی، دموکراتیک و اجتماعی است. دولت، اصل برابری در مقابل قانون را برای تمام اتباع خود بدون در نظر گرفتن نژاد و مذهب تضمین می‌نماید و به تمام اعتقادات احترام می‌گذارد.

۳. دکتترین حاشیه تفسیر (The doctrine of the margin of interpretation) از جمله ابداعات دیوان اروپایی حقوق بشر است. بر اساس این دکتترین دولت‌های عضو که می‌بایست تعهدات خود بر اساسا کنوانسیون را اجرا کنند بهتر از قضات دیوان به شرایط و اوضاع و احوال کشور خود واقفند و از این رو ممکن است مصلحت و نظم عمومی ایجاب کند که به گونه‌ای متناسب با آن اوضاع و احوال به تعهدات خود عمل کنند. به عبارت دیگر حاشیه تفسیر این اجاز را به دولت‌ها می‌دهد تا به مفاد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر عمل نکنند. (ملکی‌زاده و موسوی‌فر، ۱۴۰۱: ۲۰۵۸)

می‌گردد^۱ (رهايي، ۱۳۸۹: ۵۵۴). مستند دكترين حاشيه تفسير بند ۲ ماده ۹ کنوانسيون اروپايي حقوق بشر است اين بند مقرر داشته است: «آزادي اجراي شعائر ديني يا اعتقادات فردي تنها در مواردی که توسط قانون مقرر شده و در یک جامعه‌ی مردم‌سالار برای حفاظت از امنیت و نظم عمومی، سلامتی یا اخلاقيات یا حمايت از حقوق و آزادي‌های ساير افراد جامعه ضروري هستند، محدوديت‌های را در بر می‌گیرند.» در پارادایم دكترين نسبي گرايي، همين بند به مستمسکی برای جواز حاشيه تفسير تبديل شده است. به ديگر سخن تعيين محدوديت حجاب در مدارس در پارادایم نسبي گرايي فرصت ابراز یافته است و با پشتوانه و اهرم نسبي گرايي موضوع محدوديت حجاب دانش‌آموزان را به موضوعاتي نظير «تلقين مذهبي به کودکان»، «عدالت جنسیتی» و «پيشگيري از تروريسم» ارتباط داده و مطلوب خود يعني ايجاد محدوديت در حق آزادي ديني را صبغه حقيقي می‌دهد.

۲-۱. تلقين مذهبي به کودکان

مطابق رويکرد کلاسيک دولت‌ها صاحب تکليف و اشخاص حقيقي در ارتباط با دولت صاحب حق هستند و به استثنای تکليف شهروندان به عدم اقدام به رفتاري که مطابق قانون انتشار یافته جرم اعلام شده است، شهروندان حق تصميم‌گيري و اقدام در تمام شئونات زندگي خویش را دارند. اما رويکرد نوين، افراد یا گروه‌ها را صرفاً صاحب حق نمی‌داند و برای شهروندان تکاليف بيشتري قائل است لذا خلوت خانواده را به خودی خود رها نمی‌کند و معتقد است که تنوري عدم مداخله در امور خانواده کهنه، غير قابل قبول و غير کارا شده است با اين مبنا برخی حقوقدانان بر تکاليف سلبی والدين در قبال کودک خویش تمرکز نموده‌اند و بيان داشته‌اند که تعيين حدود صلاحيت والدين برای مداخله در آزادي مذهبي کودک موضوع کليدی است (Lafollette, 1998: 86). جان وايت معتقد است اگر والدين تکليف داشته باشند که کودکان خود را از نظر اخلاقی درست تربيت کنند نمی‌توانند هم‌زمان حق داشته باشند که به کودکان خود مذهب خاصی را تلقين کنند یا بياموزند چه آن که به باور وی برخی آموزه‌های مذهبي با آموزه‌های مسلم آموزشی در تضاد است (Witte, 2007: 7). برخی نیز عقیده دارند والدين نمی‌توانند کودکان خود را تنها با

۱. تفاوت حق بر تفسير با حاشيه تفسير در آن است که اولاً در موارد حق بر تفسير در سند یا کنوانسيون به صراحت حق تفسير به دولت‌ها تفويض شده است اما در موارد حق بر حاشيه تفسير اين تصريح وجود ندارد ثانياً در حق بر تفسير شرايط و اوضاع و احوال جامعه نقشى در تفسير مفاد مورد تفسير ايفا نمی‌کند لکن در حق بر حاشيه تفسير دولت‌ها با توجه به اصول و ارزشهای جوامع خود اقدام به تفسير می‌نمایند. لذا حق بر حاشيه تفسير یک موضوع در دو کشور مختلف ممکن است به نتايج کاملاً متفاوتی منتج شود به عنوان مثال گفته می‌شود که به واسطه حق بر حاشيه تفسير آزادي بيان یک قاضی بلژیکی ممکن است نظر دهد که ممنوعيت نمايش یک فيلم مستهجن، نقض آزادي بيان است در حالی که در نقطه‌ای معکوس قاضی ایرلندی ممکن است نظر دهد که ممنوعيت همان فيلم، محدوديتی مشروع بر حق آزادي بيان و بر مبنای حمايت از اخلاق ضروري است.

یک گزینه خاص مذهبی هدایت کنند زیرا این با بی طرفی مذهبی مخالف است و راه کودک بر گزینه‌های دیگر را می‌بندد. برخی نیز بیان داشته‌اند که آزادی کودکان در مذهب از استقلال آن‌ها در پذیرش مذهب جدایی‌ناپذیر است؛ لذا مسئله کلیدی در این آزادی «تعیین سن» مناسبی است که کودک در آن زمان خود مستقلاً مذهب خویش را برگزیند. (Van Bueren, 2004: 561). به نظر ایشان قدرت تصمیم‌گیری کودکان نیازمند شکوفایی و رشد است لذا باید حق استقلال کودکان را به رسمیت شناخت.

با استدلال‌ها و مبانی فوق این نتیجه گرفته شده است که هرگونه مداخله در پوشش مذهبی دانش‌آموزان به منزله تلقین مذهبی و غیر قابل قبول است. همچنین از منظر قائلان به گفتمان محدودیت در حجاب، تأثیر نمادی چون حجاب بر کودکان بسیار قوی است و علاوه بر اینکه آینده‌کودکانی که حجاب را رعایت می‌کنند از این موضوع متأثر می‌شود جامعه و به ویژه سایر کودکان نیز تحت تأثیر حجاب دختران محجبه قرار می‌گیرند. این مبنا در برخی از پرونده‌های دیوان اروپایی حقوق بشر این موضوع مورد توجه قرار گرفته است. در واقع دیوان به این نکته تأکید دارد که به هنگام بررسی مسئله حجاب اسلامی باید ملاحظه نمود که حجاب اسلامی می‌تواند چه تأثیری بر دیگران که از این پوشش استفاده نمی‌کنند، داشته باشد؟ و پیش فرض مسلم دیوان آن است که این نمود قوی بیرونی که توسط پوشش حجاب اسلامی جلوه‌گر می‌گردد می‌تواند اثر تبلیغ دینی^۱ داشته باشد (رهایی، ۱۳۸۹: ۲۷۱). لذا پرسش بسیاری از نمایندگان فرانسه بر این است که یک جمهوری سکولار تا چه حد می‌تواند کودکانی را تحمل کند که تابلوهای مذهبی را در مقابل دیدگان همه به نمایش می‌گذارند؟

۲-۲. عدالت جنسیتی و منع اجبار

علاوه بر این از منظر سیاستمداران جامعه فرانسه حجاب از جمله مناسبات سلطه مردانه و نفی عدالت جنسیتی است. به نظر ایشان حجاب تحمیل آشکار محدودیت بر زنان است و کنشگری زنان را به چالش می‌کشد و زنان را از حق مشارکت اجتماعی باز می‌دارد. در برخی پژوهش‌ها و همچنین در برخی آرای دیوان اروپایی حقوق بشر در دفاع از اعمال محدودیت بر زنان محجبه، حجاب اسلامی تهدیدی نسبت به حقوق زنان به حساب آمده است (رهایی، ۱۳۸۹: ۲۷۰). در این راستا بیان شده است حجاب باتوجه به حکم قرآنی بر زنان تحمیل می‌شود و این مسئله با برابری جنسی به هیچ وجه سازگار نیست (رهایی، ۱۳۸۹: ۲۷۱).

در ادبیات لایحه ضد نژادپرستی نیز بدون نام بردن از عنوان خاص حجاب با تعبیر لباس‌های مذهبی که آشکارا نشان‌دهنده جایگاه پایین‌تر زنان نسبت به مردان است، ممنوعیت حجاب به بهانه منع تبعیض جنسیتی اعلام شده است.

۲-۳. پیشگیری از تروریسم

به باور مقنن فرانسوی در پشت نماد عینی حجاب، بنیادگرایی دینی سازمان‌یافته‌ای شکل می‌گیرد که ارزش‌های جمهوری فرانسه، مانند لائیسیته و هویت فرانسوی را تهدید می‌کند (مذهبی، ۱۴۰۱). با همین مناسبت که در بسیاری از آرای دیوان اروپایی حقوق بشر توسل به نظم عمومی برای مقابله با خطر بنیادگرایان اسلامی به عنوان مستمسکی برای اتخاذ رویکرد سخت‌گیرانه نسبت به مقوله حجاب به کار گرفته شده است. از نظر دیوان اروپایی حقوق بشر نیازهای امنیتی فردی یا جمعی اهدافی هستند که به طور مشروع می‌توانند محدودیت آزادی تجلی دین و در نتیجه انتخاب تصمیمات مدارس ملی مبنی بر ممنوعیت پوشیدن حجاب در ساعات کلاس را توجیه کند.^۱ همین رویکرد در قانون احترام به اصول جمهوری سال ۲۰۲۱ به عنوان روح حاکم بر این قانون مشهود است^۲ تا آنجا که در مواد ابتدایی این قانون اسلام هراسی و دامن زدن به خوف اسلامی شدن جامعه فرانسه و قدرت یافتن جریان‌های اسلامی به وضوح مشهود است و بسیاری از اصحاب رسانه این قانون را موضع بی‌پرده نظام حقوقی فرانسه در مواجهه با اسلام‌گرایی برشمرده‌اند.^۳

۳. توجیهات محدودیت حجاب در بوته نقد

مفهوم حاشیه‌تفسیر در قوانین حقوق بشری اغلب به عنوان مسئله‌ای چالش برانگیز دیده شده است. درحالی‌که بعضی نویسندگان آن را مسئله‌ای بغرنج قلمداد می‌کنند عده‌ای دیگر معتقدند این دکترین یکپارچگی حقوق بشر را از بین می‌برد یا اینکه استانداردهای آن را از اساس نابود می‌کند. (ملکی‌زاده و موسوی‌فر، ۱۴۰۱: ۲۰۵۹) شاخص قرار دادن لائیسیته به جای اصول و بایسته‌های حقوق بشری نیز، خطای بزرگی است که در مقوله حجاب در کشور فرانسه رخ داده است. نباید هر قاعده‌ای که به نقض حقوق مسلم و جهان‌شمول انبای بشر می‌انجامد به بهانه‌هایی چون رعایت ارزش‌های خاص یک جامعه بر طیف گسترده‌ای از شهروندان یک جامعه تحمیل شود. به ویژه آنکه حجاب اسلامی با ارزش‌های

۱. برای مطالعه بیشتر در زمینه آرای دیوان اروپایی حقوق بشر در زمینه حجاب ر. ک:

ECHR, Dogru v. France (Application No. 27058/05), Judgment of 4 December, 2008.

ECHR, Ebrahimian v. France (Application No. 64846/11), Judgment of 26 November, 2015.

ECHR, El Morsli v. France (Application No. 15585/06), Judgment of 4 March, 2008.

ECHR, Kervanci v. France (Application No. 31645/04), Judgment of 4 March, 2009.

ECHR, S.A.S. v. France (Application No. 15585/06), Judgment of 1 July, 2008.

ECHR, S.A.S. v. France (Application No. 43835/11), Judgment of 1 July, 2014.

ECHR, Hebbadj v. France (Communication No. 2807/2016), Decision of 17 July, 2018.

۲. برای دسترسی به این قانون رجوع کنید به:

<https://www.legifrance.gouv.fr/dossierlegislatif/JORFDOLE000042635616/>

3. <https://www.aljazeera.com/news/2021/2/15/frances-controversial-separatism-bill-explained>

جمهوری و حقوق مردم هیچ تضادی ندارد و حتی حجاب به خودی خود ذاتاً ناسازگار با اصول لائیسیته نیز نیست. بلکه آنچه در فرانسه تحت عنوان لائیسیته به جامعه شناسانده شده است با حجاب سر ناسازگاری دارد. به دیگر سخن مقامات فرانسوی با سوءاستفاده از محبوبیت و مشروعیت لائیسیته در افکار عمومی فرانسه، قوانین خود را به پشتوانه لائیسیته به جامعه تحمیل می‌کنند. شاهد سخن اینکه در میان تعداد فراوانی از کشورهای دیگر که به نظام لائیسیته و سکولاریسم پایبند هستند موضوع پوشش مذهبی مورد مخالفت قرار نمی‌گیرد. به عنوان نمونه در انگلستان، علی‌رغم اینکه سیاست‌های پوشش یکنواخت توسط هر مدرسه مشخص می‌شود لکن مقررات وضع شده توسط مدارس باید با قوانین حقوق بشر و برابری مطابقت داشته باشد لذا ممانعت از پوشاندن موهای دختر مسلمان با حجاب یا ممنوع کردن مدل موی مرتبط با یک گروه قومی یا ملی، تبعیض‌آمیز و مخالف آزادی دینی تلقی می‌شود. در واقع در انگلستان به طور کلی دانش‌آموزان از حیث پوشش هیچ ممنوعیتی ندارند و صرفاً طبق توصیه‌های وزارت کشور بریتانیا «در مواردی که مدارس دلایل موجهی همچون ارتقای انسجام و نظم، یا ملاحظات واقعی بهداشت و ایمنی یا امنیتی برای محدود کردن آزادی‌های افراد دارند، ممکن است ایجاد محدودیت در حق ابراز مذهب یا عقیده توجیه‌پذیر تلقی شود.» (گودرزی، ۱۴۰۲) ایرلند نیز در زمینه پوشش اقلیت‌های مذهبی و قومی در مدارس همان مقررات و سیاست‌های در پیش گرفته شده در انگلیس را دارد. در ایتالیا به رغم روی کار آمدن یک دولت عوام‌گرا و منتسب به جریان راست افراطی، بحث عمومی یا سیاسی در خصوص پوشش مذهبی در کلاس‌های درس مطرح نیست و دانش‌آموزان با محدودیت خاصی مواجه نیستند. سخنگوی دولت اسکاتلند نیز اعلام داشته است که «محدودیتی برای پوشش مذهبی در مدارس» این کشور اعمال نمی‌شود. در اسپانیا نیز هیچ قانونی در ارتباط با استفاده از حجاب اسلامی هنگام حضور دانش‌آموزان دختر در کلاس‌های درس و در جامعه وجود ندارد.^۱

حتی در خصوص پوشیدن صورت با برقع نیز تعداد فراوانی از کشورهای اروپایی محدودیتی قائل نیستند به عنوان نمونه در سال ۲۰۱۸، نخست‌وزیر ایرلند ممنوعیت برقع در ایرلند را رد کرد و گفت: «من آن را دوست ندارم اما فکر می‌کنم مردم حق دارند آنچه را که می‌خواهند بپوشند. من به آزادی مذهب اعتقاد دارم. من با دکتترین هر دین یا لزوماً هیچ دینی موافق نیستم، اما به آزادی مذهب معتقدم.»^۲ در این خصوص یعنی ممنوعیت پوشش برقع صرفاً کشورهای بلژیک، دانمارک (که در تصویر ذیل با رنگ قرمز تیره مشخص شده‌اند) به صورت کامل و کشورهای روسیه، هلند، آلمان، سوئیس، نروژ در برخی مناطق،

1. <https://noo.rs/qRxxA>

۲. برای دیدن جزئیات این مصاحبه ر.ک:

Finn, Christina (5 August 2018). "Leo Varadkar: 'There will be no burqa ban in Ireland'".[^] O'Connell, Hugh. "Varadkar rules out burqa ban, calls for women in priesthood – BusinessPost.ie

(که در تصویر ذیل با رنگ صورتی مشخص شده‌اند) محدودیت‌هایی را برای پوشیدن برقع اعمال نموده‌اند و سایر کشورهای اروپایی در این زمینه هیچ ممنوعیتی را اتخاذ ننموده‌اند.



تصویر (۱): وضعیت کشورهای مختلف از حیث ممنوعیت پوشیدن برقع

این مقایسه به خوبی نشان می‌دهد که تفسیر افراطی از اصول لائیسیته خاص فرانسه و محدودی از دیگر کشورهاست و خوانش اغلب کشورهای دیگر از لائیسیته متفاوت از فرانسه است. لذا مصادره لائیسیته برای تحمیل قوانین ضد آزادی دینی توسط دولت فرانسه مصداق بارز نفی آشکار رواداری دینی و بردباری مذهبی که یکی از بایسته‌های جامعه دموکراتیک است، می‌باشد. علاوه بر بی‌اعتباری معیار لائیسیته تحریف‌شده برای سلب حق دین داری، پاسخ‌های منطقی و در خور دیگری متناظر با توجهات مطرح شده برای محدودیت حجاب در فرانسه قابل طرح است که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۳-۱. حق متقابل کودک و والدین مبنی بر تربیت دینی

حق والدین در آموزش دینی به کودکان از جلوه‌های حق احترام به عقاید دینی والدین است و اسناد حقوق بشری مختلف دولت‌ها را مکلف به تأمین این احترام نموده‌اند. مطابق بند ۳ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «والدین در انتخاب نوع آموزش فرزندان خویش از حق اولویت برخوردارند.» حق آموزش در بند مذکور به صورت مطلق آمده است و بی‌شک شامل آموزش دینی فرزندان نیز می‌شود. به دیگر سخن تعیین نوع آموزش دینی فرزندان در اختیار والدین است. (سودمندی و شریفی طراز کوهی، ۱۳۹۱: ۸۰) بر اساس بند ۴ ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و

سیاسی^۱ و ماده ۲ پروتکل اول کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۲ و بند ۲ ماده ۵ اعلامیه رفع تمامی اشکال تبعیض مبتنی بر مذهب یا عقیده^۳ ۱۹۸۱ والدین علاوه بر اینکه حق تربیت دینی فرزندان خود را دارند، حق دارند، مطمئن شوند که آموزش اطفال آنان در مدارس بر اساس احترام به عقاید مذهبی و یا فلسفی آنان صورت می‌گیرد. با عنایت به مواد مذکور دولت‌ها نه تنها نباید از پوشش مذهبی مطابق خواست والدین ممانعت به عمل آورند بلکه باید تمهیدات لازم برای پرورش فرزندان مطابق اعتقادات والدین را فراهم آورند.

توجه به موضوع از زاویه حق کودک مبنی بر تربیت دینی نیز ضروری است؛ توضیح آنکه تفویض تربیت دینی به والدین به موجب بند ۴ ماده ۱۸ میثاق و دیگر موارد مشابه، صرفاً حق والدین نیست بلکه حق کودک مبنی بر تربیت توسط والدین نیز هست چه آن که رعایت مصالح و غطه‌ی کودک ایجاب می‌کند خانواده که نزدیک‌ترین و دلسوزترین افراد نسبت به کودک هستند، تصمیم‌گیری‌هایی در خصوص موضوعات مهم وی داشته باشند از این روست که برخی صاحب‌نظران بیان نموده‌اند که نکته‌ی مهمی که مورد غفلت قرار گرفته است آن است که کودکان روزگاری بزرگ خواهند شد در حالی که در زمان کودکی برای ایشان تدبیر لازم صورت نگرفته است (رهایی، ۱۳۸۹: ۲۰۹). چرا که هیچ جامعه بشری در موضوع دینی بی تفاوت یا قرنطینه نیست. در واقع اگر پدر و مادر در دوران خردسالی که دوران تأثیرپذیری کودکان است نتوانند کودکان خود را راهنمایی کنند دیگران بر پدر و مادر سبقت می‌گیرند (رهایی، ۱۳۸۹: ۲۱۰). زیرا استعداد دینی یا زمینه‌های دینی هر فردی در همان دوران کودکی شکل می‌گیرد؛ یا با محتوایی که پدر و مادر مایلند یا با محتوایی که خواست و میل دیگران است.

۳-۲. حق کودک مبنی بر برخورداری از مذهب و اعمال آن

برخلاف گفتمان لائسیسته فرانسوی که کودک را برای برخورداری و اعمال مذهب، شایسته نمی‌داند، حق

۱. دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی والدین و برحسب مورد سرپرستان قانونی کودکان را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات خودشان محترم بشمارند.
۲. در اجرای هر گونه وظایفی که در ارتباط با آموزش و تعلیم تلقی می‌شود، دولت می‌بایست به حق والدین بمنظور تضمین چنین آموزش و تعلیمی که مطابق با اعتقادات مذهبی و فلسفی آنان می‌باشد، احترام بگذارد.
۳. هر کودکی، از جهت مذهبی یا عقیدتی، حق دارد از آموزشی مطابق با خواست والدین یا، حسب مورد، قیم‌های قانونی خود، بهره‌مند شود و نمی‌توان او را، در مورد مذهب یا عقیده، وادار به فراگیری آموزشی نمود که مخالف با تمایلات والدین یا قیم‌های قانونی اوست. اصل محوری، منافع کودک است.
۴. اعلامیه رفع تمامی اشکال تبعیض مبتنی بر مذهب یا عقیده از جمله مباحث حقوقی می‌باشد. اعلامیه رفع تمامی اشکال تعصب و تبعیض مبتنی بر مذهب یا عقیده از جمله اسناد حقوق بشری است که در ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ به منظور مبارزه با تمامی اشکال نابردباری و تبعیض مبتنی بر مذهب یا عقیده به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است.

برخورداری از مذهب و اعمال آن توسط افراد زیر ۱۸ سال به صراحت در ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق کودک^۱ مطرح شده است مطابق این ماده: «در کشورهایی که اقلیت‌های قومی، مذهبی یا زبانی و یا افرادی با اصالت بومی زندگی می‌کنند، کودک متعلق به این اقلیت‌ها یا کودکی که بومی است نباید از حق برخورداری از فرهنگ خود، برخورداری از مذهب خود و اعمال آن یا استفاده از زبان خود به همراه سایر اعضای گروهش محروم شود.»

علاوه بر این مغایرت آشکار نظام حقوقی فرانسه با کنوانسیون حقوق کودک، همان‌طور که برخی اندیشمندان گفته‌اند این موضوع که قدرت تصمیم‌گیری کودکان نیازمند رشد و شکوفایی است به مفهوم حق آنان مبنی بر استقلال نیست. (Langludé, 2007: 52) بلکه اتفاقاً بر عکس عدم رشد کودک استقلال وی را محدود می‌کند مضاف بر اینکه از لزوم استقلال کودک هم نمی‌توان تحمیل بی‌حجابی بر وی از سوی دولت را نتیجه گرفت. بلکه اگر استقلال کودک در موضوعی دینی باید رعایت شود- که مطابق اسناد حقوق بشری چنین استقلالی صراحتاً به رسمیت شناخته نشده است- این استقلال مستلزم عدم مداخله است نه از جانب خانواده و نه از جانب دولت، لذا نمی‌توان به بهانه استقلال کودک، حق تربیت دینی کودک را از خانواده سلب و به دولت سپرد.

آنچه در این میان جالب توجه است این است که در سال ۲۰۲۱ «قانون تقویت حمایت از کودکان در برابر خشونت جنسی»^۲ به تصویب رسیده است^۳ به موجب ماده ۶ این قانون^۴ باید اصلاحاتی در قانون مجازات فرانسه صورت گیرد که به موجب این اصلاحات حداقل سن برای رضایت جنسی از ۲۰ سال به ۱۵ سال کاهش می‌یابد و رابطه جنسی با افراد ۱۵ ساله که نسبت به رابطه رضایت دارند برای شخصی که رابطه دارد یا طرفین رابطه را به هم رسانده است، جرم محسوب نمی‌شود. این به آن معناست که از نظر

۱. پیمان‌نامه حقوق کودک یک کنوانسیون بین‌المللی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را بیان می‌کند. این کنوانسیون در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و از ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ (سی روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق) لازم‌الاجرا شده است. تاکنون ۱۹۳ کشور (تمام اعضای ملل متحد به جز ایالات متحده آمریکا) این سند را تصویب کرده‌اند یا به آن ملحق شده‌اند. ایالات متحده آمریکا تنها عضو سازمان ملل متحد است که آن را تصویب نکرده است.

2. LOI n 2021-478 du 21 avril 2021 visant à protéger les mineurs des crimes et délits sexuels et de l'inceste

۳. جهت دسترسی به قانون مذکور رجوع کنید به:

<https://www.legifrance.gouv.fr/jorf/id/JORFTEXT000043403203>

۴. ماده ۶ قانون تقویت حمایت از کودکان در برابر خشونت جنسی:

Le chapitre V du titre II du livre II du code pénal est ainsi modifié:

A l'article 225-7-1, le mot: «quinze» est remplacé par le mot: «vingt»;

Au début du dernier alinéa de l'article 225-12-2, sont ajoutés les mots: «Hors les cas dans lesquels ces faits constituent un viol ou une agression sexuelle.»

مقنن فرانسوی افراد ۱۵ ساله قدرت تشخیص و تصمیم‌گیری در خصوص رابطه جنسی خود را دارند ولی این افراد قدرت تصمیم‌گیری در خصوص پوشش حجاب را مادام که به ۱۸ سال نرسند نباید داشته باشند!

♦ سن لازم برای انتخاب پوشش و لباس: ۱۸ سال (لایحه ضد جدایی طلبی)

♦ سن لازم برای روابط جنسی: ۱۵ سال (قانون تقویت حمایت از کودکان در برابر خشونت جنسی)

در خصوص تلقین حجاب بر دیگر کودکانی که احتمال می‌رود از هم‌سال محجبه خود متأثر می‌شوند نیز باید گفت اولاً تأثیر حجاب بر بی‌حجاب‌ها امری مسلم و قابل اندازه‌گیری نیست ثانیاً تأثیر محجبه‌ها از بی‌حجابان موضوعی است که مغفول مانده است. مهم‌تر از آن حتی اگر تأثیر حجاب بر بی‌حجاب‌ها را واقعی بدانیم بیش از آن نیست که افراد محجبه به وسیله حجاب از حق ابراز دین فراتر رفته و دین و آیین خود را با سکوت تبلیغ می‌نمایند حقی که در اسناد حقوق بشری مانند بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده است.^۱

۳-۳. حجاب به مثابه یک انتخاب

این موضوع که حجاب کنشگری اجتماعی دختران را به چالش می‌کشد و آنان را از فعالیت‌های اجتماعی باز می‌دارد به همان میزان ادعایی دور از واقع است که گفته شود در فصول سرد سال یا مناطق سردسیر که پوشش افراد بیشتر است کنشگری ایشان کاسته می‌گردد! در حقیقت چون حجاب محدودیت فیزیکی خاصی ندارد صرف پوشاندن حدود بیشتری از بدن، تأثیر منفی در کنشگری اجتماعی را در قریب به اتفاق موارد ندارد. مضاف بر اینکه پژوهش‌های متعددی اثبات نموده است که افراد محجبه کمتر در معرض جرم و ایذاء قرار می‌گیرند و اتفاقاً بهتر می‌توانند در جامعه به فعالیت بپردازند. (Lennon, S.J, Adomaitis, A.D, Koo, J. et al, 2017: 4)

نکته بسیار مهمی که توجه به آن ضروری است این است که هرچند حجاب یک تکلیف شرعی است لکن انتخاب یک فرد مبنی بر امثال به این تکلیف به معنای اجبار نخواهد بود در حقیقت دختران مسلمان به انتخاب خود حجاب را برگزیده‌اند، لذا رعایت حجاب اسلامی توسط دختران در فرانسه نه تنها مصداق تبعیض جنسیتی یا نقض حقوق ایشان نیست بلکه در نقطه معکوس، الزام آنان به کنارگذاشتن حجاب نقض مسلم و آشکار حقوق زنان است. در واقع منع پوشش اسلامی در کشورهای اروپایی مدعی حقوق بشر، نه تنها حق آزادی دینی و حقوق اقلیتی دختران و زنان مسلمان را نادیده می‌گیرد، بلکه حق آموزش و تحصیل، حق کار و حقوق ناشی از عدم هرگونه تبعیض بر پایه مذهب را پایمال خواهد کرد. (موسوی و

۱. بند مذکور مقرر داشته است: هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد.

دیگران، ۱۴۰۲: ۲۱) در حقیقت این منع حجاب است که به بی‌عدالتی جنسیتی و مانع‌تراشی در کنشگری زنان محجبه می‌انجامد و نه خود حجاب.

۳-۴. منع حجاب؛ پیشگیری از تروریسم یا ترویج آن؟

ارتباط علی بین حجاب و تروریسم وجود ندارد در حقیقت از این موضوع که برخی تروریست‌ها گرایش اسلامی دارند و به احکام اسلامی از جمله حجاب پایبند هستند نمی‌توان نتیجه گرفت که تروریسم ریشه در مسئله حجاب دارد. لذا طرح موضوعاتی نظیر عاری‌سازی جامعه فرانسه از تروریسم نمی‌تواند مستمسکی برای اعمال محدودیت در خصوص حجاب یا تعیین سن حجاب باشد. برعکس در نقطه مقابل مطابق با نظریات جرم‌شناختی می‌توان از ارتباط‌هایی بین اعمال محدودیت در حجاب و افزایش احتمال تروریسم پرده برداشت؛ به عنوان مثال چارلز تیتل یک نظریه کلی در مورد کژروی پیشنهاد می‌کند که نظریه‌ای پیچیده و تلفیقی به حساب می‌آید. مؤلفه کلیدی این نظریه، «تراز کنترل»^۱ یا تعادل کنترل است که به جهت محوریت یافتن این مؤلفه در این تئوری، نظریه به همین نام متصف گشته است. این نظریه در راستای تحلیل بزهکاری و سرکشی از قانون «میزان کنترل» را بررسی می‌کند؛ در واقع در این نظریه سازگاری و هم‌نوایی با میزان کنترل همبسته است نه با اصل کنترل. ادعای اصلی این نظریه آن است که «میزان کنترلی که بر یک فرد اعمال می‌شود، نسبت به میزان کنترلی که او می‌تواند اعمال کند، امکان رخ دادن کژروی و نیز نوع کژروی احتمالی وی را تعیین می‌کند.» (Tittle, 1995: 35) به این معنا که اگر میزان کنترلی که افراد اعمال می‌کنند با میزان کنترلی که بر آن‌ها اعمال می‌شود برابر باشد، کمتر احتمال دارد که افراد مرتکب جرم شوند. (Tittle, 2010: 21) به دیگر سخن اگر افراد همان اندازه کنترلی که بر آنها اعمال می‌شود، بتوانند بر دیگران اعمال کنند احتمال بزهکاری پایین می‌آید. لکن اگر این تعادل بر هم زده شود یعنی میزان کنترلی که بر افراد اعمال می‌شود بیش از میزان کنترلی باشد که آن‌ها می‌توانند اعمال نمایند، احتمال وقوع جرم بالا می‌رود. به این ترتیب یک رهیافت این نظریه می‌تواند این باشد که افرادی که به‌گونه‌ای نامتوازن و شدید از سوی دیگران تحت کنترل قرار می‌گیرند، تمایل بالاتری نسبت به دیگران به کژروی و نافرمانی پیدا می‌کنند. همچنین مطابق نظریه کنترل اجتماعی هیرشی نیز، یکی از مؤلفه‌های مهم در مجرمیت افراد علقه یا پیوند اجتماعی شخص با جامعه پیرامون وی است. اگر این پیوند به هر جهتی کاسته شود احتمال بیشتری وجود دارد که فرد به بزهکاری ورود پیدا کند. به این ترتیب مطابق با نظریه‌های مذکور اعمال محدودیت شدید بر شهروندان مسلمان فرانسه و سست نمودن پیوند این شهروندان با جامعه پیرامونی خود، ممکن است زمینه‌های بزهکاری و پیوستن ایشان به گروه‌های تروریستی را فراهم نماید. شاهد سخن آن که به نسبت جمعیت مسلمان فرانسه درصد بسیار بالایی در

جنگ‌های سوریه و عراق به داعش و دیگر گروه‌ها پیوستند.^۱

نتیجه‌گیری

قانون ممنوعیت حجاب دانش‌آموزان در فرانسه و قوانین و لوایح مشابه مؤخر بر آن همگی در راستای محدودسازی حق آزادی دینی شهروندان است و به وضوح مغایر اسناد حقوق بشری بین‌المللی و منطقه‌ای است. عموماً این سیاست‌ها به بهانه ارزش‌های خاص جامعه فرانسه و پایبندی به اصول لائسیسته و در قالب حقوقی حق دولت‌ها مبنی بر حاشیه تفسیر حق‌های بشری توجیه می‌شود. این در حالی است که عموم کشورهای معتقد به لائسیسته صرفاً با حکومت دینی و اعمال دین در حکمرانی سیاسی مخالف هستند لکن با پوشش مذهبی شهروندان مخالفتی ندارند و صرفاً در سطوح خاصی مانند پوشیدن برقع مخالفت می‌ورزند. لذا آنچه در قوانین جدید فرانسه مشاهده می‌شود فراتر از اصول لائسیسته و انفکاک دین از حکمرانی، مصداق بارز ترک مدارای دینی و بردباری مذهبی و سلب حق آزادی دینی شهروندان است. مرور ادبیات سیاسی و حقوقی پیروان لائسیسته فرانسوی نشان می‌دهد در توجیه این سلب حق از دانش‌آموزان دختر به طور خاص سه موضوع «منع تلقین مذهبی به کودکان»، «منع تبعیض جنسیتی» و «مبارزه با تروریسم» مستمسک سلب حق قرار گرفته است؛ حال آنکه اولاً معیار قابل قبول جهانی برای سلب حق، اسناد حقوق بشری است و نه تنها در اسناد حقوق بشری استقلال دینی کودکان مطرح نشده است بلکه به صراحت حق تربیت دینی فرزندان و حق آموزش فرزندان به والدین واگذار شده است. ثانیاً استقلال کودک حتی اگر پشتوانه منطقی هم داشته باشد، با مداخله دولت و با منع حجاب تامین نمی‌شود و نمی‌توان به بهانه استقلال کودک حجاب او را ممنوع ساخت. ثالثاً جامعه ایزوله از دین نیست و کودک در دوران کودکی با تاثیرپذیری از محیط پیرامون خود، خواه ناخواه، متأثر از یک فلسفه معنوی یا یک دین خاص می‌شود. لذا چه بهتر که ظرف دین کودک با محتوایی که خانواده که پیش از همه مصلحت و غبطه کودک را در نظر دارند، پر شود و این موضوع از منظر حق کودک مبنی بر تربیت دینی و معناگرایی نیز قابل تاکید است. در خصوص موضوع دوم یعنی منع تبعیض جنسیتی حجاب در مواردی که انتخاب نوجوانان است نمی‌تواند مصداق اجبار و تبعیض جنسیتی باشد اتفاقاً منع دانش‌آموزان محجبه از حضور در مدارس و محیط‌های آموزشی مصداق تبعیض و بی‌عدالتی است. در خصوص موضوع سوم یعنی ارتباط دادن پدیده تروریسم با حجاب نیز باید گفت مطابق نظریات جرم‌شناختی محروم کردن افراد از حقوق مسلم خود یعنی حق آزادی دینی و حق رعایت مناسک دینی و اعمال کنترل‌های شدید بر افراد جامعه و دخالت در آزادی‌ها و انتخاب‌های ایشان، پیوندهای اجتماعی شهروندان با جامعه خود را سست می‌کند لذا نه پوشش‌های مذهبی مانند حجاب بلکه اتفاقاً قوانین ضد حقوق بشری موجود که آزادی و رواداری دینی را نادیده می‌گیرد با گسترش پدیده تروریسم ارتباط دارد.

فهرست منابع

- آرشه، گی، ۱۳۸۵ش، لائیسیته، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران: نشر آگه، چ ۱.
- احمدی، حمید؛ سلیمی، برهان، ۱۴۰۱ش، کشمکش‌های ایدئولوژیک و نهادینگی لائیسیته در فرانسه مدرن. فصلنامه سیاست، دوره ۵۲، ش ۱.
- استوارت میل، جان، ۱۳۹۵ش، رساله درباره آزادی. ترجمه دکتر جواد شیخ الاسلامی، تهران: علمی و فرهنگی، چ ۶.
- رهایی، سعید، ۱۳۸۹ش، آزادی دینی از منظر حقوق بین‌الملل با نگاهی به رهیافت اسلامی، قم: دانشگاه مفید، چ ۱.
- زاهدیان، محمد حسین و صدری ارحامی، محمد، ۱۳۹۹ش، بررسی جایگاه حجاب در حقوق بشر از دیدگاه نظریه جهان‌شمولی و نسبی‌گرایی. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، دوره ۱۵، ش ۵۲.
- زمانی، قاسم؛ حسینی آزاد، علی، ۱۳۹۳ش، تأملی در برخورد دیوان اروپایی حقوق بشر با ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر پایه پرونده لیبلا شاهین مقاله، مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۳ ش ۶.
- سودمندی، عبدالمجید، شریفی طرازکوهی حسین، ۱۳۹۱ش، گستره حق آزادی دین و عقیده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۶، ش ۴.
- شمسی، احمدرضا، ۱۳۹۰ش، تعهدات حقوقی بین‌المللی اروپا در خصوص آزادی حجاب. سیاست خارجی، ش ۲۵.
- فضائلی، مصطفی، کریمی، موسی، اسدی، ثریا، ۱۳۹۶ش، حمایت از اقلیت‌های مذهبی در نظام حقوقی اسلام و نظام بین‌المللی حقوق بشر. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۴، ش ۱.
- کیانپور، مسعود و یزدخواست، بهجت، ۱۳۸۵ش، جامعه‌شناسی تاریخی سکولاریسم: بررسی جامعه‌شناختی قانون منع استفاده از علائم مذهبی در مدارس دولتی کشور فرانسه، فصلنامه مطالعات زنان، دوره ۴، ش ۳.
- گرچی، علی اکبر، ۱۳۸۷ش، دموکراسی و آزادی مذهبی در بستر لائیسیته: نقدی بر پارادوکس‌های لائیسیته فرانسوی. حقوق و سیاست، دوره ۱۰، ش ۲۵.
- مقامی، امیر و مکی، شادی سادات، ۱۳۹۷ش، جلوه‌های حق بر آزادی ابراز مذهب در رویه‌نهادهای بین‌المللی حقوق بشر. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، دوره ۱، ش ۴۸.
- ملکی‌زاده، امیرحسین؛ موسوی‌فر، سیدحسین، ۱۴۰۱ش، نگرشی بر دکترین حاشیه صلاح‌دید در تفسیر. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، دوره ۵۲، ش ۴.
- موسوی میرکلانی، سید طه، دهنوی، محمد و محمدزاده، ساوالان، ۱۴۰۲ش، آزادی پوشش مذهبی بانوان مسلمان از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر آرای دیوان اروپایی حقوق بشر. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران.

References

- Jakus, Julia. (2017) "Laïcité And Laiklik: When Did The Comparability Of Assertive Laicism In France And Turkey Dissolve?" *Sociology And Anthropology* 5, 11: 923-940.
- Lafollette, Hugh (1989). *Freedom Of Religion And Children*. *Public Affairs Quarterly* (1): 75-87.
- Langlaude, *THE RIGHT OF THE CHILD TO RELIGIOUS FREEDOM IN INTERNATIONAL LAW*, Martinus Nijhoff Publishers, 2007

- Lennon, S.J., Adomaitis, A.D., Koo, J. *Et Al.* Dress And Sex: A Review Of Empirical Research Involving Human Participants And Published In Refereed Journals. *Fash Text* 4, 14 (2017).
- Maier, Sylvia, 2004. Multicultural Jurisprudence: Muslim Immigrats, Culture And The Law In France And Germany". Presented At The Council Of European Scholars Conference, 11_13 March Chicago, IL, USA.
- Roy, Olivier (2007). *Secularism Confronts Islam*. New York Chichester, West Sussex: Columbia University Press.
- Tittle, R. (1995) *Control Balance: Toward A General Theory Of Deviance*, Westview Press, Inc Boulder, CO 80301, United States Of America.
- Tittle, R. (2010) *Control Balance Theory And Social Policy*, In *Criminology And Public Policy Putting Theory To Work*, Edited By: Hugh D. Bar Low And Scott H. Decker, TEMPLE UNIVERSITY PRESS Philadelphia.
- Van Bueren, G. (2004). The Right To Be The Same, The Right To Be Different: Children And Religion. In: Lindholm, T., Durham, W.C., Tahzib-Lie, B.G., Sewell, E.A., Larsen, L. (Eds) *Facilitating Freedom Of Religion Or Belief: A Deskbook*. Springer, Dordrecht.
- Witte, John, (2007) *Introduction: The Foundations And Frontiers Of Religious Liberty* (2007). *Emory International Law Review*, Vol. 21.

- خبرگزاری‌ها و سایت‌های اینترنتی

- گودرزی، محمدحسن (۱۴۰۲) نگاهی به قوانین کشورهای اروپایی درباره ممنوعیت یا آزادی حجاب در مدارس،
خبرگزاری بین‌المللی قرآن، قابل دسترسی در:
<https://iqna.ir/00HTkT>
- مذهبی، سارویه (۱۴۰۰) تناقض لائسیسته و حجاب زنان مسلمان در فرانسه، قابل دسترسی در:
<https://iiwfs.com/%D8%AA%D9%86%D8%A7%D9%82%D8%B6-%D9%84%D8%A7%D8%A6%DB%8C%D8%B3%DB%8C%D8%AA%D9%87-%D9%88-%D8%AD%D8%AC%D8%A7%D8%A8-%D8%B2%D9%86%D8%A7%D9%86-%D9%85%D8%B3%D9%84%D9%85%D8%A7%D9%86/>
- "Interdire le voile aux étudiantes? Les présidents d'université disent "non"". *LExpress.fr* (in French). 13 April 2016.
- Samuel Osborne (12 May 2021). "Emmanuel Macron's party bars woman from running as candidate because she wore a hijab". *Microsoft News, The Independent*. Archived.
<https://www.aljazeera.com/news/2021/2/15/frances-controversial-separatism-bill-explained>
- Finn, Christina (5 August 2018). "Leo Varadkar: 'There will be no burqa ban in Ireland'".
O'Connell, Hugh. "Varadkar rules out burqa ban, calls for women in priesthood –
BusinessPost.ie

Persian Sources

- Arsheh, Gay (1385), *Laicity*, translated by Abdul Wahab Ahmadi, Tehran: Age Publishing

- House, pp. 7-17.
- Ahmadi, Hamid; Salimi, proof. (1401). Ideological conflicts and institutionalization of laicité in modern France. *Politics Quarterly*, 52(1), 1-26.
- Stuart Mill, John (2016). *Treatise on freedom*. Translated by Dr. Javad Sheikh al-Islami, 6th chapter. Tehran: Scientific and Cultural.
- Rahai, Saeed (2009) *Religious freedom from the perspective of international law with a view to the Islamic approach*, first edition Qom: Mofid University.
- Zahdian, Mohammad Hossein and Sadri Arhami, Mohammad. (2019). Investigating the place of hijab in human rights from the perspective of universalism and relativism. *Women and Family Educational Cultural Quarterly*, 15(52).
- Zamani, Qasim; Hosseini Azad, Ali (2013) A reflection on the treatment of the European Court of Human Rights with Article 9 of the European Convention on Human Rights based on the case of Leila Shahin, article, *Islamic Human Rights Studies* 3(6).
- Soodmandi, Abdul Majeed, Sharifi Tarzkouhi Hossein (2012) Scope of the right to freedom of religion and belief in international human rights documents. *Comparative Law Research*, 16(4): 77-103.
- Shamsi, Ahmadreza (2010). Europe's international legal obligations regarding the freedom of hijab. *Foreign Policy*, 25, 170-147
- Fadaeli, Mustafa, Kerami, Musa, Asadi, Soraya. (2016). Supporting religious minorities in the Islamic legal system and the international human rights system. *Comparative Research of Islamic and Western Laws*, 4(1), 113-142.
- Kianpour, Masoud and Yazdkhavast, Behjat (1385) *Historical Sociology of Secularism: Sociological Investigation of the Law Prohibiting the Use of Religious Symbols in Public Schools in France*, *Women's Studies Quarterly*, 4(3).
- Gerji, Ali Akbar. (1387). Democracy and religious freedom in the context of laicity: a critique on the paradoxes of French laicity. *Law and Politics*, 10(25), 155-192.
- Maggi, Amir and Makki, Shadi Sadat (2017). Manifestations of the right to freedom of religious expression in the practice of international human rights institutions. *Tehran University Public Law Studies Quarterly* (1) 48. 139-157.
- Malekizadeh, Amir Hossein; Mousavi Far, Seyyed Hossein. (1401). An attitude on the margin of discretion doctrine in interpretation. *Tehran University Public Law Studies Quarterly*, 52(4).
- Mousavi Mirklai, Seyyed Taha, Dehnavi, Mohammad and Mohammadzadeh, Savalan. (1402). The freedom of Muslim women's religious clothing from the point of view of international law, emphasizing the opinions of the European Court of Human Rights. *Tehran University Public Law Studies Quarterly*.